

تحلیل اثرات تغییرات الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان لرستان)

فضیله دادورخانی*، مهدی حسام**، مهدی چراغی***، امید امیدی شاه آباد****، زینب محمدی*****

1393/07/07

تاریخ دریافت مقاله:

1396/03/17

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

روستاها به واسطه کارکرد اساسی خود که تأمین کننده بسیاری از نیازهای زیستی، سکونتی و اقتصادی جامعه روستایی هستند، از خصیصه پویایی و تغییر دائمی برخوردارند. این خصیصه از پویایی افراد و گروه‌های جامعه روستایی و تمایلات آنان در شکل دادن به کالبد و فضای روستا ناشی می‌شود. الگوی خانه‌های روستایی تجلیگاه شیوه‌های زیستی - معیشتی و نیروهای تأثیرگذار بر روندهای اجتماعی و اقتصادی در شکل بخشی به آن‌هاست. از جمله مسائل مهم در این زمینه که محوریت تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد نقش زنان و تأثیرپذیری کارکردهای اقتصادی، تولیدی و تدارکاتی آن‌ها از الگوی مسکن است. تحقیق حاضر بر این فرضیه استوار است که با مرور زمان و دخالت برخی عوامل در ساخت مسکن روستایی به تدریج فضابندی خانه‌های روستایی به شدت از شیوه‌های ساخت‌وساز و معماری شهری تبعیت نموده و کارکردهای معیشتی و تدارکاتی خود را از دست داده‌اند و این مسئله تأثیر قوی بر کارکرد اجتماعی و مشارکت زنان در اقتصاد خانوار بر جای گذاشته است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق 169875 خانوار روستاهای استان لرستان است که پرسشنامه‌ها به صورت نمونه توسط 420 خانوار تکمیل گردید. پردازش داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های یومن ویتنی، فریدمن، کندال و مدل تحلیل مسیر صورت گرفت. نتایج حاصل از این تحقیق مؤید این نکته است که تغییر در الگوی مسکن روستایی به تبعیت از زندگی شهری و مسکن شهری منجر به تغییر در اجزا و فضاهای مسکن روستایی شده است و این تغییرات نیازهای فضایی برخی فعالیت‌ها و کارکردها را از بین برده‌اند. همچنین در نتیجه این تغییرات محدودیت‌های فعالیت‌های برای زنان روستایی به وجود آمده که موجب به حاشیه رانده شدن آن‌ها گردیده است. در این راه شناخت قابلیت‌های فردی - اجتماعی و توانمندی‌های اقتصادی زنان روستایی در راستای سازمان‌دهی آن‌ها و بهره‌وری شایسته از آن‌ها همراه با زمینه‌سازی و بسترسازی ساختارها در الگوهای جدید مسکن روستایی می‌تواند کمک بسیار زیادی به احیای نقش زنان در توسعه روستایی بنماید.

واژگان کلیدی: الگوی مسکن، کارکرد زنان روستایی، استان لرستان.

* استاد دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.

** عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان. mhesam@guilan.ac.ir

*** دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران.

**** دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران.

***** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران.

مقدمه

مسکن، عمده‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده بافت روستاها است. سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی است (سرتیپی‌پور، 1384: 43). طراحی مسکن روستایی دارای ویژگی‌های خاص خود است. مفاهیمی نظیر ابعاد و اندازه فضاها، تنوع فضاها، عملکرد فضاها، واحدهای همسایگی، نیازها و ضرورت‌های معیشتی و حتی الگوهای بهینه اقلیمی یک خانه روستایی کاملاً متفاوت از مسکن شهری است. تفکیک عملکردها و جانمایی فضاها در یک‌خانه روستایی به همان سادگی ارتباط بین فضاها در خانه شهری نیست. فضاها در خانه روستایی دارای چندین عملکرد هستند. هر اتاق خانه روستایی، هم جنبه یک اتاق مستقل را دارد و هم خود یک اتاق نشیمن است (جانی‌پور، 1385: 12). معماری مسکن روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلیگاه ارتباطات، کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت از نفس سکونت و شیوه زیست در روستا نشأت می‌گیرد (آدریانو، 1384: 81).

مسکن روستایی در سال‌های اخیر از تغییرات و دگرگونی‌هایی وسیعی برخوردار شده است. این عنصر فرهنگی علاوه بر نقش سکونت، به‌عنوان بخشی از فضای اشتغال، تولید و همچنین انبار نگهداری ملزومات زندگی روستاییان مطرح است. این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشأت می‌گیرد لذا بروز تغییرات فرهنگی و

اثرات آن بر الگوی مسکن روستایی منجر به فروپاشی الگوی سنتی مسکن خواهد شد که منطبق با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا است. مسلم است که مسکن در مجموعه بافت روستا به‌عنوان یک جزء از هویت کلی روستا و ایفاگر نقشی چند کارکردی است. مسکن علاوه بر نقش سکونت، به‌عنوان بخشی از فضای اشتغال و تولید مطرح بوده که این امر از نقش سکونت، شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشأت می‌گیرد (روح‌الامینی، 1370). از آنجا که تقریباً نیمی از جمعیت هر روستا را زنان تشکیل می‌دهند، به‌طور قطع یک جامعه در صورت عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی نیمی از جمعیت خود نمی‌تواند فرایند توسعه را بپیماید (دادورخانی، 1385: 127). نقش سنتی که در درون خانه‌های جدید روستایی به زن روستایی امروزی به‌طور ناخواسته (به سبب تغییر الگوی مسکن روستایی) تحمیل می‌شود نقشی زیستی - اجتماعی بسیار کمرنگ است که در حکم مانعی برای زنان در زمینه کسب آموزش و مهارت‌های شغلی عمل می‌کند (عارف نیا، 1374: 59)، این نقش به‌واسطه کاهش فعالیت اقتصادی، تولیدی و اجتماعی که به‌دلیل تغییرات ساختاری در بافت و الگوی مسکن به‌وجود آمده است زنان روستایی را در زنجیره‌ای از وابستگی و عدم مشارکت در فرایندها و فعالیت‌های روستایی قرار می‌دهد. نقش و کارکرد زنان به‌شدت از فضای زیستی و الگوی ساخت مسکن متأثر بوده و با تغییر و حذف برخی عناصر در مسکن روستایی کارکرد زنان روستایی نیز به‌طور مستقیم تغییر پیدا کرده است و باعث حذف یا کمرنگ شدن برخی فعالیت‌های اقتصادی و تدارکاتی زنان روستایی و همچنین کاهش مشارکت‌های اجتماعی آنان در عرصه‌های مختلف زندگی روستایی شده است.

(لباف دادورخانیکی، 1379: 4). بهره‌گیری از نیروی کار زنان روستایی عمدتاً در امور حاشیه‌ای پر زحمت و طاقت‌فرسا از جمله موارد زیر است: نشاکاری، وجین، شیردوشی، تولید لبنیات، قالی‌بافی و تولید صنایع دستی، تهیه هیزم و جمع‌آوری آن و تهیه سوخت و مانند آن. امروزه درگیری و اشتغال زنان روستا در فعالیت‌های کشاورزی اگرچه همچنان تداوم دارد لیکن با تغییر شرایط، کم و کیف آن دستخوش دگرگونی شده و به موازات بروز تحولات در ساختار اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی شکل و میزان اشتغال زنان نیز متحول می‌گردد (دادورخانی، 1375: 4). بهبود شرایط زندگی روستاییان و ورود فناوری کشاورزی، بهبود ساختار ارتباطات و راه‌های روستایی، گسترش و عمومیت بخشیدن به آموزش و پرورش در روستاها و... همه به‌نحوی از درگیری زنان در امور کشاورزی کاسته است (رئیس مبارکه، 1376: 25). دانشمندان اعتقاد دارند در سیستم‌هایی که مردان مسلط هستند، دسترسی زنان به منابع تولید محدود می‌شود و میزان مشارکت سیاسی آنها نیز کم می‌شود. اغلب آنها با دستمزد پایین در ساعت‌های طولانی کار کرده و عده‌ای نیز در وضعیت‌های سخت و خشن با موقعیت پایین و تحرک کم (از لحاظ اجتماعی و اقتصادی) کار می‌کنند (Vlassoff، 1994).

زنان در کشورهای جهان سوم به‌خصوص در مناطق روستایی از تقسیم‌کار پنهان و نابرابر رنج می‌برند. این امر نه‌تنها سلامت آنان را به خطر انداخته بلکه هرگونه فرصتی را جهت شرکت زنان در اجتماعات و کسب آگاهی سلب کرده است (دادورخانی، 1386: 25). در نتیجه فرایند بازدهی کار زنان در اطلاعات آماری به‌دقت بازتاب نمی‌یابد، علاوه بر این، تعریف محدودی که از کار کشاورزی در نوشته‌ها وجود دارد بیشتر

حضور و مشارکت زنان در حکم نیمی از نیروی بالقوه کار می‌تواند نقش مؤثری در پیشرفت جامعه داشته باشد (عمادزاده، 1382: 117). این مطالعه نیز باهدف تبیین اثرات تغییرات الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی در روستاهای استان لرستان انجام شده است. تحقیق حاضر بر این سؤالات مبتنی است که:

کارکرد اقتصادی زنان در اثر تغییر در الگوی مسکن در چه وضعیتی قرار دارد؟
دگرگونی‌های حادث شده در الگوی مسکن روستایی بیشترین اثرات را بر روی کدام کارکرد زنان به‌همراه داشته است؟

در این راستا پس از مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مبانی نظری، شاخص‌های مورد نظر تنظیم و به‌صورت پرسشنامه در بین زنان خانوارهای روستایی استان لرستان توزیع گردید. در ادامه داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مبانی نظری

تجارب متعدد نشان داده است در مشارکت مطلوب و کارآمد زنان در توسعه پایدار، ابتدا باید نقش آنان در فرایند توسعه مشخص شود و سپس موانع مربوط به ایفای نقش آنان را شناخت و توجه کرد که آنان در امور داخل منزل و همچنین فعالیت‌های خارج منزل نقش مهمی دارند. ضمن اینکه توانایی دارند که علاوه بر فعالیت‌های داخل خانه، مدیر و برنامه‌ریز خوبی برای فعالیت‌های خارج از خانه نیز باشند (احمدی شاپورآبادی، 1388: 71).

زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی در مناطق روستایی نقش به‌سزایی در تولید و گردش چرخ‌های اقتصاد روستا و صنایع دارند. این گروه نیمی از نیروی انسانی فعال و بخش مهمی از تولید را تشکیل می‌دهند

فعالیت‌های تولیدی کار زنان را در بر نمی‌گیرد. فعالیت‌هایی همچون کار در مزرعه خانوادگی، پیگیری کارها و فراهم‌سازی و تبدیل مواد غذایی به‌طور معمول از سوی زنان روستایی انجام می‌شود (نعمتی، 1382: 29). به نظر سوزان تیانو¹ سه نگرش متضاد در مورد تأثیر توسعه اقتصادی بر زنان وجود دارد:

1. دیدگاه ادغام شدن²: که بر طبق آن، توسعه به آزادی و برابری جنسی می‌انجامد، چون باعث می‌شود زنان در فعالیت‌های اقتصادی و عمومی بیشتر درگیر شوند.
2. دیدگاه حاشیه‌ای شدن³: که مدافع این نظر است که زنان با توسعه سرمایه‌داری تسلط خود را بر منابع از دست می‌دهند و از نظر اقتصادی به‌طور فزاینده به مردان وابسته می‌شوند. همچنین کارهای تولید را کنار گذاشته و به حوزه خصوصی خانه محدود می‌شوند.
3. دیدگاه استثمار شدن⁴: بر این نکته تأکید دارد که نوسازی به ایجاد نیروی کار زنانه با دستمزد پایین می‌انجامد و زنان برای تولید صنعتی اهمیت بیشتری می‌یابند، اما چون نیروی کار ثانوی به‌شمار می‌روند استثمار می‌شوند (ابوت، 1376: 97).

مسکن روستایی انواع مختلفی دارد: کلبه، چادر و خانه. در مورد مسکن روستایی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ای تفاوتی بین مسکن در شهرها و روستاها قائل نمی‌شوند.

عده‌ای دیگر معتقدند که مشکل مسکن روستایی با مسکن شهری متفاوت است و در واقع کمبود مسکن به‌گونه‌ای که در شهرها مطرح است در روستاها وجود ندارد بلکه استحکام واحدهای مسکونی مهم‌ترین مشکل مسکن روستایی است که با استفاده از مصالح جدید بادوام و فناوری بهتر می‌توان آنرا حل کرد.

عده‌ای معتقدند که محدود کردن مشکل مسکن روستایی به عدم استحکام آن نوعی ساده‌انگاری موضوع

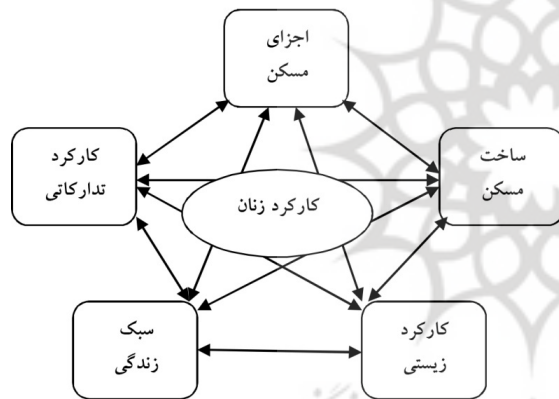
است و با استحکام‌بخشی نمی‌توان شکل مطلوب و مناسبی از مسکن روستایی ارائه داد و باید علاوه بر استحکام‌بخشی به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز معماری بومی و فناوری و امکانات محلی هم توجه نمود (سرتیپی پور، 1377: 15).

از آنجا که مسکن روستایی به‌طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی - معیشتی گروه‌های روستایی به‌شمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی - فضایی، به‌مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا (سعیدی و امینی، 1389: 30)، از این‌رو تطابق آن با شیوه زیست و ارزش‌های روستاییان یک ضرورت غیرقابل انکار است. در عین حال بدیهی است که مسکن روستایی تفاوت‌های آشکاری با مسکن شهری داشته ولی در سال‌های اخیر الگوهای شهری در نواحی روستایی گسترش زیادی پیدا کرده است که این امر کارکرد این خانه‌ها را در پاسخگویی به نیاز واقعی روستاییان مختل می‌نماید.

آشکار است که این‌گونه روندهای تقلیدی و برون‌زا، با فاصله روستا از کانون‌های شهری در ارتباط معکوس قرار دارد. یعنی هرچه فاصله روستا از شهر، به‌ویژه از شهرهای بزرگ‌تر، کمتر باشد، تأثیرپذیری دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی بیشتر خواهد بود (Lynch, 2005 VJerve, 2001).

فضاهای موجود در مسکن روستایی را می‌توان به سه دسته فضاهای زیستی، فضاهای مشترک زیستی - معیشتی و فضاهای معیشتی طبقه‌بندی کرد (رضوانی، 1390: 142). هریک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند. البته باید توجه داشت که در همه موارد، کارکرد فضاهای گوناگون واحدهای مسکونی روستایی به‌طور کامل از یکدیگر قابل تفکیک نیستند.

انتقال یافته و زمینه تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورد. این گونه اثرگذاری قاعدتاً به جایگاه و نقش آن در کلیت نظام در شرایط زمانی معین باز می‌گردد (سعیدی، 1390: 13). با توجه به وجود الگوی جدید مسکن روستایی و در جهت ارتقای کارکرد زنان می‌بایست به آموزش شیوه‌های معیشتی متناسب با شرایط روز به‌ویژه به زنان بزرگسال توجه کرد. این امر یکی از نیازهای اساسی است که نبود آن باعث آسیب‌پذیری شدید این قشر از جامعه می‌گردد (Lephoto, 1995) چرا که دست یافتن به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در همه عرصه‌ها اعم از عرصه خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست (Gobayan & Hakobian, 2005: 14) (تصویر شماره 1).



ت 1. تغییرات الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی.

منطقه مورد مطالعه

استان لرستان با مساحتی حدود 28308 کیلومتر مربع (1/7 درصد مساحت کشور) در ناحیه غربی ایران واقع شده است. براساس آخرین سرشماری کشوری در سال 1390، استان لرستان دارای 2861 روستای دارای سکنه است که سهم کشوری آن 4/5 درصد است و 169875 خانوار و 677416 نفر جمعیت در روستاهای این استان ساکن می‌باشند. بنا بر آمار موجود در استان لرستان،

به‌عنوان مثال ممکن است در اتاق نشیمن که کارکرد اصلی آن زیستی است، فعالیت تولیدی مثلاً قالیبافی نیز انجام شود که کارکرد این فضا در این صورت زیستی - اقتصادی خواهد بود (سعیدی، 1387).

تحولات الگوی کارکرد مسکن روستایی را می‌توان در قالب نظریه پویا ساختاری - کارکردی تبیین کرد. پویا ساختاری - کارکردی بر این باور است که دخالت در بخشی از ساختار کالبدی، بدون عنایت به بخش‌های دیگر کالبدی (ساختار محیطی - اکولوژیک) و بی‌توجه به کارکردها (فعالیت‌ها و روابط جاری از جمله اشتغال متناسب)، یعنی بی‌مهری به پویا نظام‌وار سکونتگاه‌ها، نمی‌تواند آن‌طور که انتظار می‌رود به اهداف متصور خود دست یابد. بدین ترتیب دیدگاه حاکم بر پویا ساختاری - کارکردی، نگاه مبتنی بر درک درست از فضا به‌عنوان پدیده‌ای نظام‌وار و روی‌آوری جدی به برنامه‌ریزی فضایی است. میان ساختار و کارکرد ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد، به سخن دیگر، هر کارکردی نیازمند ساختارهای متناسب خود است و بالعکس (سعیدی، 1390: 11 و 12).

پارسونز اعتقاد دارد تغییر ساخت با تغییرات مهمی در سازمان و در کارکرد جامعه و یا در نظام‌های فرعی یک جامعه همراه است و طی آن جامعه و یا نظام فرعی آن، از یک نوع اجتماع به‌نوعی دیگر و یا از یک سنخ اجتماعی به سنخ دیگر تغییر می‌یابد مانند گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی و غیره. پارسونز «منشأ تغییرات ساخت را اگر درون جامعه باشد درون‌زا و اگر در بیرون از جامعه باشد برون‌زا می‌نامد» (پارسونز؛ 1376، 113).

با عنایت به پیوستگی ساختاری کارکردی نظام‌های مکانی - فضایی می‌توان انتظار داشت که تغییر و دگرگونی در یک جزء از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظام‌وار به سایر اجزای نظام

شمار جمعیت زنان روستایی بالغ بر 330 هزار و 763 نفر است که از این تعداد 20 هزار و 866 نفر شاغل هستند و همچنین از مجموع جمعیت زنان روستایی استان، تعداد 200 هزار و 281 نفر با سواد هستند. با توجه به گستردگی و تعداد بالای روستاها و به منظور مطالعه عمیق 25 روستای این استان براساس تعداد جمعیت در 4 گروه قرار گرفت و با توجه به فراوانی تعداد روستا در هر طبقه روستاها با استفاده از روش قرعه کشی انتخاب شدند. روستاهای منتخب در تصویر شماره 2 نمایش داده شده است.

و مدل تحلیل مسیر صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق، 169875 خانوار روستاهای استان لرستان می‌باشند. برای انتخاب تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه با توجه به تعداد خانوار 25 روستای انتخاب شده که برابر با 5565 خانوار بوده است تعداد نمونه لازم با استفاده از فرمول کوکران⁵ 420 خانوار محاسبه گردید. ضریب آلفای به دست آمده برای سنجش پایایی ابزار تحقیق 0/694 درصد به دست آمد که بیانگر قابل قبول بودن آن است. جهت سنجش سؤال تحقیق از مؤلفه‌ها و گویه‌های مذکور در جدول شماره 1 استفاده شد.

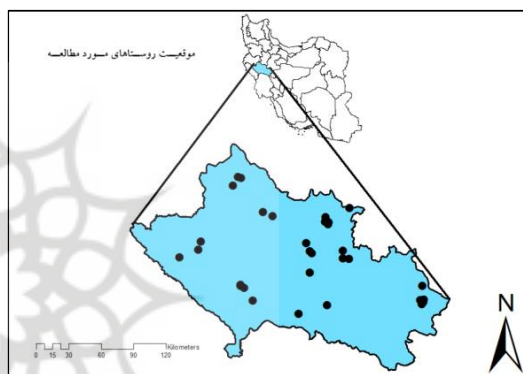
یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین یافته‌های توصیفی و ویژگی‌های فردی زنان روستایی در جدول شماره 2 بیان شده است. بر همین مبنا نتایج نشان می‌دهد، میانگین مساحت مسکن 669 متر، میانگین تعداد اعضای خانوار 4.5 نفر، میانگین سنی 9.42 سال و 91 درصد خانوارها خانوارهای هسته‌ای می‌باشند، بخش کشاورزی با 78 درصد اشتغال فعالیت غالب است.

جهت تعیین همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته در تحقیق از آزمون همبستگی استفاده شده است که جدول ضریب همبستگی بین متغیرها در جدول شماره 3 آمده است.

تحلیل نتایج بدست آمده از بررسی همبستگی میان مؤلفه‌های مورد نظر نشان می‌دهد:

- در بعد اجزا و ساختار مسکن، رابطه مثبت و معناداری میان افزایش تعداد اجزای مسکن با ابعاد کارکرد معیشتی - تولیدی و کارکرد تدارکاتی زنان وجود دارد. به این معنا که با افزایش تعداد اجزای تشکیل‌دهنده مسکن میزان مؤلفه‌های کارکرد معیشتی - تولیدی و کارکرد تدارکاتی زنان افزایش می‌یابد. یعنی مسکنی که تعداد اجزای آن‌ها بالا بوده دارای



ت 2. موقعیت روستاهای مورد مطالعه در استان لرستان.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق جهت بررسی اثرات تغییر الگوی مسکن بر کارکرد زنان از پرسشنامه‌ای با 10 بخش استفاده شده است. پرسشنامه در قالب 102 سؤال با طیف لیکرت و در مقیاس رتبه‌ای طراحی و با استفاده از این شاخص‌ها به ارزیابی اثرات تغییر الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی مورد مطالعه پرداخته شد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه با زنان روستاها) بوده و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون یومن ویتنی، فریدمن، کندال

اقتصادی دام رابطه معکوس و معناداری دارد.
- در بعد کارکرد اقتصادی دام، این بعد با تعداد اجزای مسکن، کارکرد معیشتی - تولیدی و کارکرد تدارکاتی رابطه معکوس و معناداری دارد. به این معنا که کاهش تعداد اجزای مسکن، کاهش فعالیت معیشتی - تولیدی و فعالیت تدارکاتی باعث افزایش فعالیت اقتصادی زنان در امور مربوط به دام می شود.
- در بعد کارکرد اقتصادی مزرعه، این بعد با ابعاد کارکرد اقتصادی باغ، کارکرد زنان در منزل رابطه مثبت و معنادار و با بعد اجزای مسکن رابطه معکوس و معناداری دارد.

کارکردهای معیشتی - تولیدی و کارکرد تدارکاتی مناسب برای فعالیت زنان می باشند. همچنین میان تعداد اجزای موجود در مسکن و میزان فعالیت زنان در امور مربوط به دام، مزرعه و باغ رابطه معکوسی وجود دارد. این رابطه به این مفهوم است که با افزایش تعداد اجزای سازنده مسکن فعالیت اقتصادی زنان در مزرعه و یا باغ کاهش می یابد.
- در بعد کارکرد زیستی، این بعد با هیچ یک از ابعاد مورد بررسی رابطه معناداری ندارد.
- در بعد کارکرد تدارکاتی، این بعد با ابعاد کارکرد

مؤلفه	گویه
اجزا و ویژگی‌ها	تنور، صندوق‌خانه یا پستو، محل نگهداری علوفه، محل نگهداری آذوقه، محل نگهداری طیور، محل نگهداری ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی، حیاط، باغچه داخل حیاط، ایوان، اتاق قالیبافی و صنایع دستی، آشپزخانه بزرگ و سستی، آشپزخانه در معرض دید، هال و پذیرایی، سیستم گرمایشی و سرمایشی، حمام و دستشویی داخل ساختمان، اتاق خصوصی برای اعضای خانواده، توجه به قبله و اقلیم در ساخت مسکن، توجه به زیبایی داخلی مسکن، توجه به نمای خارجی مسکن، توجه به بهداشتی بودن مسکن، توجه به فصول در ساخت مسکن، احساس رضایت و آرامش در مسکن.
موارد ضروری در ساخت مسکن	ارتباط الگوی مسکن با اقلیم محیط، دسترسی آسان به مصالح مورد نیاز برای ساخت مسکن، حضور قشر بنا و کارگر در ساخت مسکن (حرفه‌ای شدن ساخت مسکن نسبت به گذشته)، هماهنگی نوع مصالح به کار رفته در ساخت مسکن با محیط پیرامون.
کارکرد زیستی مسکن روستایی	آیا در مسکن شما محل خاصی برای غذا خوردن وجود دارد؟ (میز غذاخوری)، آیا در مسکن شما محل خاصی برای خوابیدن وجود دارد؟ (اتاق خواب).
کارکرد معیشتی - تولیدی و تدارکاتی مسکن روستایی (در گذشته و امروز)	نگهداری دام، نگهداری طیور، انبار علوفه و مواد غذایی، کارگاه صنعتی و دستی (رشته‌بری و...)، تولید برخی میوه‌ها و سبزی‌ها، تهیه مواد لبنی، آماده‌سازی مواد غذایی، تبدیل برخی مواد خوراکی (خشک‌کردن، شور کردن، کمپوت کردن و...)، پخت غذا برای کارگران (نیروی کار مزرعه خانوادگی)، ساخت یا تعمیر ابزارآلات برای فعالیت‌های تولیدی.
کارکرد اقتصادی زنان روستایی	چرای دام، دادن علوفه، دوشیدن شیر، تمیز کردن جای دام‌ها، تهیه فرآورده‌های دامی، تهیه سوخت از فضولات دامی، کار در مزرعه در مرحله کاشت، کار در مزرعه در مرحله داشت، کار در مزرعه در مرحله برداشت، کار در باغات در مرحله کاشت، کار در باغات در مرحله داشت، کار در باغات در مرحله برداشت، نگهداری بذر، پرورش طیور، تولید صنایع دستی، تبدیل و آماده‌سازی مواد غذایی، مدیریت امور اقتصادی خانواده، امکان مشارکت زنان در کارهای کشاورزی، سهم زنان در فعالیت‌های غیر از خانه‌داری، ماشینی شدن کشاورزی.
کارکرد زنان روستایی	رسیدگی به امور منزل، تمیز کردن منزل و فضای مسکن، نظارت بر امور فرزندان، آشپزی و پخت غذا، پخت نان، تعمیرات منزل، خرید مایحتاج خانواده.
کارکرد مدیریتی زنان روستایی	خرید لوازم منزل، مراجعه به مدرسه کودکان، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت، تصمیم در مورد سفر، تعیین نوع بذر، تعیین نوع کود، تعیین نوع دام و نگهداری دام، تعیین زمان و مکان و نوع کشت، تعیین نحوه خرج کردن درآمد، تعیین نحوه پس‌انداز، تعیین نوع شغل همسر، تعیین نوع الگوی مسکن، استخدام نیروی کار غیر خانوادگی، تصمیم‌گیری در انبار یا فروش محصول.
تغییرات سبک زندگی	استفاده از وسایل مدرن در خانه، تغییر در طرز پوشش و ظاهر زنان، افزایش سطح بهداشت در خانه، تغییر نوع غذای مصرفی در خانه، تغییر در شیوه سرو غذا در خانه، تغییر در ارتباطات بین آشنایان و دوستان، استفاده از رسانه‌های جمعی، تغییر در گذران اوقات فراغت زنان با خانواده، تغییر در گذران اوقات فراغت زنان با خویشاوندان و آشنایان، تغییر در گذران اوقات فراغت زنان با همسایگان، گذران اوقات فراغت زنان در خارج از روستا، تغییر در برگزاری مراسم سنتی عروسی، تغییر در برگزاری مراسم عزاداری، مشارکت زنان در شکل‌ها و کارهای جمعی، تبعیت از سبک زندگی شهری.

ج 1. مؤلفه‌ها و گویه‌های مورد بررسی در اثرات تغییرات الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی استان لرستان.

یافته‌ها	ویژگی فردی
669 متر	متوسط مساحت مسکن
4/5 نفر	متوسط تعداد اعضای خانوار
42/9 سال	میانگین سنی
91 درصد	درصد خانوارهای هسته‌ای
78 درصد بخش کشاورزی	نوع اشتغال غالب
بی سواد با 58 درصد	تحصیلات غالب

ج 2. یافته‌های توصیفی و ویژگی‌های فردی زنان روستایی.

متغیر وابسته											متغیر مستقل	فرع آزمون
کارکرد مدیریتی زنان	کارکرد زنان در منزل	کارکرد اقتصادی	کارکرد اقتصادی باغ	کارکرد اقتصادی مزرعه	کارکرد اقتصادی دام	کارکرد اجتماعی	کارکرد تدارکاتی	کارکرد معیشتی - تولیدی	کارکرد زیستی	اجزای مسکن		
ضریب همبستگی												
*0/042	*-0/208	**0/729	*-0/401	**0/530	**0/636	*-0/016	**0/486	**0/607	*-0/135	1	اجزای مسکن	
*0/002	*0/308	*-0/065	*0/012	*0/078	*0/053	*0/054	*-0/022	*-0/082	1	*-0/135	کارکرد زیستی	
*0/337	*0/269	**0/505	*-0/333	*-0/248	**0/821	*-0/013	**0/776	1	*-0/082	**0/607	کارکرد معیشتی - تولیدی	
*0/208	*0/169	*-0/440	*-0/333	*-0/204	**0/640	*-0/120	1	**0/776	*-0/022	**0/486	کارکرد تدارکاتی	
*-0/066	*0/345	*0/274	*0/040	*0/262	*0/201	1	*-0/120	*-0/013	*0/054	*-0/016	کارکرد اجتماعی	
*-0/092	*-0/080	**0/605	*0/340	*0/348	1	*0/210	**0/640	**0/821	*0/053	**0/636	کارکرد اقتصادی دام	
*0/036	*0/371	**0/624	**0/617	1	*0/348	*0/262	*-0/204	*-0/248	*0/078	**0/530	کارکرد اقتصادی مزرعه	
*-0/100	*0/018	*0/324	1	**0/617	*0/340	*0/040	*-0/333	*-0/333	*0/012	*-0/401	کارکرد اقتصادی باغ	
*0/025	*0/305	1	*0/324	**0/624	**0/605	*0/274	*-0/440	**0/505	-0/065	**0/729	کارکرد اقتصادی	
0/290	1	0/305	0/018	*0/371	-0/080	0/345	0/169	0/269	0/308	-0/208	سبک زندگی زنان	
1	0/290	0/025	-0/100	0/036	-0/092	-0/066	0/208	0/337	0/002	0/042	کارکرد مدیریتی زنان	

ج 3. همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی.

رتبه‌بندی کارکرد اقتصادی زنان

در ادامه تحلیل رتبه‌بندی کارکرد اقتصادی زنان در اثر تغییر در الگوی مسکن با استفاده از آزمون کندال نشان می‌دهد که گویه‌های دوشیدن شیر، تهیه فراورده‌های دامی و تمیز کردن جای دام‌ها دارای بیشترین میانگین رتبه‌ای و گویه‌های تهیه سوخت از فضولات دامی، امکان کار در باغات در مرحله کاشت و تسهیل تولید صنایع دستی دارای کمترین میانگین رتبه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد از میان مؤلفه‌های کارکرد اقتصادی زنان بیشترین فعالیت اقتصادی زنان مربوط به مؤلفه امور دام مانند دوشیدن شیر، تهیه فراورده‌های دامی و دادن علوفه است که نشان‌دهنده تسلط اقتصاد دامداری در روستاهای مورد مطالعه و زمینه پائین فعالیت این زنان در دیگر بخش‌های اقتصادی است. البته طی مصاحبه با زنان روستایی چنین استنباط می‌شود که رسیدگی به امور دام‌ها و دوشیدن شیر و تهیه لبنیات به‌طور سنتی در روستاهای استان لرستان از وظایف زنان به‌شمار می‌رود. بنابراین هرچند تغییر در الگوی مسکن زنان منجر به کاهش کارکرد اقتصادی زنان روستایی شده است اما این کارکرد کماکان نقش خود را در بین جامعه زنان روستایی حفظ کرده است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از آزمون کندال نشان می‌دهد میان گویه‌های کارکرد اقتصادی زنان رابطه معناداری وجود دارد، به این معنا که افزایش میانگین هر یک از رتبه‌های مؤلفه‌های کارکرد اقتصادی زنان همراه با افزایش میانگین رتبه‌ای دیگر مؤلفه‌ها است (جدول شماره 4).

تحلیل رتبه‌بندی کارکردهای مختلف زنان در ابعاد مورد بررسی براساس آزمون فریدمن، نشان می‌دهد که بین میانگین مؤلفه‌های کارکردهای مختلف زنان در سطح آلفا 0/01 تفاوت معناداری وجود دارد. در این بین بیشترین میانگین رتبه‌ای مربوط به بعد کارکرد زنان

در منزل و کمترین آن به کارکرد معیشتی اختصاص یافته است. بررسی میانگین رتبه‌ای داده‌های حاصل از تحلیل کارکردهای مختلف زنان نشان‌دهنده پایین بودن کارکردهای معیشتی و تدارکات زنان به میزان کمتر از حد متوسط است. یافته‌های میدانی نشان می‌دهد با حذف کارکردهای تولیدی مسکن در طی سال‌های اخیر به تدریج عناصر مسکن روستایی که در آن امکان فعالیت‌های معیشتی و تدارکاتی برای زنان را فراهم می‌کرد، جای خود را به ظهور عناصر جدید مصرفی داده است.

Mean Rank	گویه
9/33	چرای دام
12/55	دادن علوفه
14/17	دوشیدن شیر
12/60	تمیز کردن جای دام‌ها
13/93	تهیه فراورده‌های دامی
5/40	تهیه سوخت از فضولات دامی
8/22	امکان کار در مزرعه در مرحله کاشت
10/10	امکان کار در مزرعه در مرحله داشت
9/43	امکان کار در مزرعه در مرحله برداشت
5/85	امکان کار در باغات در مرحله کاشت
8/03	امکان کار در باغات در مرحله داشت
7/48	امکان کار در باغات در مرحله برداشت
9/63	راحت تر شدن نگهداری بذر
10/22	تسهیل پرورش طیور در خانه
5/62	تسهیل تولید صنایع دستی
11/80	تسهیل تبدیل و آماده‌سازی مواد غذایی
12/43	تسهیل مدیریت امور اقتصادی
10/67	تسهیل امکان مشارکت زنان در کارهای کشاورزی
12/53	افزایش سهم زنان در فعالیت‌های غیر از خانه‌داری
9/33	تسهیل ماشینی شدن کشاورزی
12/55	امکان انجام فعالیت‌هایی غیر از خانه‌داری
167/025	Kendall's W ^a
18	df
0/000	Asymp. Sig.

ج 4. رتبه‌بندی کارکرد اقتصادی زنان براساس آزمون کندال.

در نتیجه انواع کارکردهایی که زنان انجام می‌دادند مانند نگهداری دام و طیور، فعالیت‌های صنایع دستی،

تهیه مواد غذایی در منزل، انبار کردن و... در مساکن جدید به علت حذف آن عناصر، از بین رفته است.



ت 3. رواج الگوی مسکن شهری در روستاهای استان لرستان و عدم تطابق آن با کارکردهای روستایی.

خوردن کمتر اهمیت داده می‌شد و حال آنکه در الگوهای جدید به اختصاص قسمت زیادی از مسکن به این دو فضا اهمیت بیشتری داده می‌شود. اما بر طبق نظر پرسش‌شوندگان، این افزایش فضا تأثیری در افزایش کارکرد زنان نداشته است (تصاویر شماره 3 و 4).

جهت تحلیل و بررسی رابطه میان نقش ساختار و اجزای مسکن با کارکردهای زنان در ابعاد مختلف از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. بر همین مبنا داده‌های به‌دست آمده نشان‌دهنده توجیه 80 درصدی آزمون و معنادار بودن واریانس است. در حقیقت اجزا و ساختار مسکن روستایی تأثیر عمیق در کارکرد زنان روستایی دارد و به عبارتی موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی آنان شده است که مبنای تئوریکی آن در نظریه ساختاری - کارکردی تشریح گردیده است (جدول شماره 5 و 6).

Asymp. Sig. (2-tailed)	Z	Wilcoxon W	Mann-Whitney U	مؤلفه
0/201	-1/279	28/000	22/000	وجود محل خاصی برای غذا خوردن در مسکن
0/081	-1/746	175/000	70/000	وجود محل خاصی برای خوابیدن در مسکن

ج 6. تحلیل رابطه میان کارکرد زیستی مسکن با کارکرد زنان، آزمون یومن ویتنی.

جمع‌بندی یافته‌ها

جهت بررسی و شناسایی مهم‌ترین ابعاد مؤثر بر کارکرد اقتصادی زنان در روستاهای مورد مطالعه از مدل تحلیل مسیر استفاده شده است (تصویر شماره 5 و جدول شماره 7).

تحلیل اثرات ابعاد مختلف مسکن روستایی بر روی کارکرد زنان با استفاده از مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد بیشترین اثرات مربوط به بعد کارکرد معیشتی با اثرات کلی 0/425 و بیشترین اثر منفی مربوط به بعد اجزای

ج 5. رتبه‌بندی کارکردهای مختلف زنان در ابعاد مورد بررسی براساس آزمون فریدمن.

جهت بررسی رابطه میان کارکرد زیستی مسکن با کارکرد زنان از آزمون یومن ویتنی نشان می‌دهد رابطه معناداری میان کارکرد زیستی مسکن با کارکرد زنان وجود ندارد، بر همین مبنا با توجه مقدار آماره Z و سطح معناداری، می‌توان گفت دسترسی به محل خاصی برای غذا خوردن و دسترسی به محل خاصی برای خوابیدن در مسکن، کارکرد زنان را افزایش نمی‌دهد. می‌توان گفت در الگوهای مساکن قدیمی به فضاهای جداگانه برای همه اعضای خانواده جهت خواب و غذا

مؤلفه	میانگین رتبه‌ای فریدمن
معیشت	2/05
تدارکات	2/55
اجتماعی	6/02
اقتصادی	4/17
کارکرد زنان در منزل	6/28
مدیریت	4/88
کای دو	128/562
درجه آزادی	6
سطح معناداری	0/000

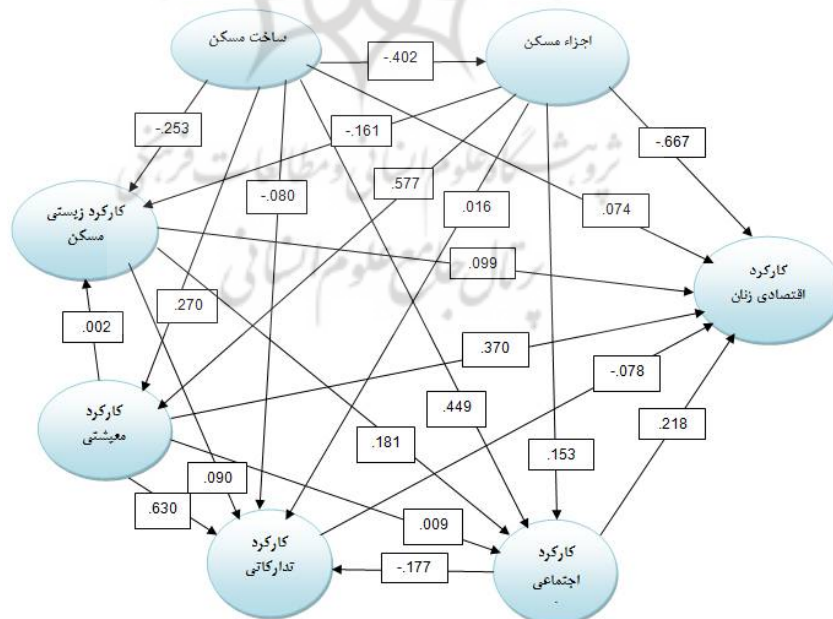
مسکن با اثرات کلی 0/381- است. بر همین مبنا می‌توان انتظار داشت با افزایش تعداد اجزای تشکیل‌دهنده مسکن، کارکرد اقتصادی زنان کاهش و با افزایش کارکرد معیشتی، کارکرد اقتصادی زنان افزایش پیدا کند.



ت 4. عدم تطابق الگوی مسکن با نیازهای روستایی در استان لرستان (روستای دالاب پایین).

مؤلفه	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثرات کلی
اجزای مسکن	-0/667	0/286	-0/381
ساخت مسکن	0/074	0/430	0/031
کارکرد زیستی مسکن	0/099	0/059	0/005
کارکرد معیشتی	0/370	0/050	0/425
کارکرد تدارکاتی	-0/078	-	-0/078
کارکرد اجتماعی	0/218	0/099	0/317

ج 7. اثرات ابعاد مختلف مسکن روستایی بر روی کارکرد زنان با استفاده از مدل تحلیل مسیر.



ت 5. اثرات ابعاد مختلف مسکن روستایی بر روی کارکرد زنان با استفاده از مدل تحلیل مسیر.

نتیجه

طراحی الگوی مسکن روستایی نیازمند رعایت اصول و معیارهایی غیر از یک فضای مسکونی صرف است. تلاش در راستای حفظ ارزش‌های محیط روستایی و احیای سنت‌ها و فضاها در ارتباط با فعالیت روستاییان در میزان موفقیت الگوی مسکن روستایی بسیار مؤثر است. هر واحد فضایی به صورت یک سلول مستقل در کنار سایر فضاها شکل می‌گیرد. همان‌طور که در تحقیقات گوناگون ذکر گردیده است، زنان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای توسعه همه‌جانبه و پایدار روستاها هستند. بنابراین روشن است که توجه به زنان روستایی به عنوان یک بازوی قدرتمند در توسعه روستایی می‌تواند اثرات بسیار مثبت و انکارناپذیری را در این راستا به همراه داشته باشد. اما در بسیاری از موارد با تغییر شیوه معیشت در روستاها، ساختار روستاها و بافت کالبدی و الگوی مسکن روستاها نیز تغییر پیدا کرده است ولی همراه با این تغییرات، کارکرد روستاییان به ویژه زنان همراه با آن تغییر پیدا نکرده است. در این تحقیق سعی شده است تأثیر این تغییرات الگوی مسکن بر زنان روستایی بررسی شود. آنچه از تحلیل یافته‌های پرسشنامه و آزمون‌های انجام شده و همچنین مشاهدات میدانی در روستاهای استان لرستان استنباط می‌شود این است که بسیاری از کارکردهای زنان با تغییر الگوی مسکن به حاشیه رانده شده و به تبع آن با عدم تعریف نقش جدید برای زنان (قبلاً کار در منزل و خارج از منزل در کار کشاورزی) حتی برای زنان تحصیل کرده، چه در خانه و چه خارج از آن، سبب بلا استفاده ماندن این نیروی عظیم برای توسعه روستاها شده است. در روستاهای استان لرستان بیشترین تغییر در الگوی مسکن مربوط به روستاهای نزدیک به شهرها است.

بیشترین تأثیر مخرب الگوی مسکن جدید و غیرقابل انطباق با کارکردهای روستایی در کارکردهای تدارکاتی و زیستی دیده می‌شود. به عبارتی اجزای مسکن الگوهای جدید، بیشترین تأثیر بر کارکرد زنان را داشته است. به همین جهت چنانچه هدف توجه به حضور زنان و مشارکت فعال‌تر آن‌ها در عرصه توسعه پایدار روستایی است باید بستر کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای حضور آنان فراهم شود تا بتوان از نیروی فکری خلاقیت و ابتکار آن‌ها در جهت توسعه اقتصادی خانواده و جامعه بهره‌مند شد. باید تا حد امکان ساختار و کارکرد را بر یکدیگر منطبق ساخت. چنانچه کارکرد گذشته زنان روستایی در استان لرستان نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها علاوه بر کارهای معمولی منزل، در کارهای کشاورزی و دامداری خارج از خانه نیز مشارکت داشته و بسیاری از فعالیت‌های جنبی این امور همانند فراوری محصولات لبنی و کشاورزی و یا به عبارتی تولید برخی محصولات غذایی را در خانه انجام می‌داده‌اند که در ساختارها و الگوهای مساکن جدید اغلب این کارکردها، قابلیت انجام ندارند که زیان اجتماعی و اقتصادی زیادی را برای توسعه کشور، روستاها و خانواده روستایی دارد. حتی در خصوص کارکرد اقتصادی مربوط به دام که در این تحقیق بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده، ریشه در موضوعات فرهنگی روستاها دارد، به طوری که رسیدگی به امور دام‌ها و دوشیدن شیر و تهیه لبنیات به طور سنتی در روستاهای استان لرستان از وظایف زنان به شمار رفته و اساساً به عنوان کارهایی زنانه محسوب می‌گردند. به همین علت این کارکرد کماکان نقش خود را در بین جامعه زنان روستایی حفظ کرده است. در هر حال نتایج حاصل از این تحقیق مؤید این نکته است که تغییر در الگوی مسکن روستایی به تبعیت از زندگی شهری و

کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره 28، صص 212-181.

- جانی پور، بهروز (1385)، گونه‌شناسی مسکن روستایی استان کردستان، گروه تحقیقی معماری و طراحی محیط جهاد دانشگاهی پردیس هنرهای زیبا، جلد 9، تهران.

- دادورخانی، فضیله (1375)، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- دادورخانی، فضیله (1385)، جنسیت و توسعه، انتشارات دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.

- دادورخانی، فضیله (1386)، درآمدی بر پارادایم جغرافیای جنسیت، انتشارات سمت، چاپ اول.

- رضوانی، محمدرضا (1390)، برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، چاپ چهارم.

- روح‌الامینی، محمود (1370)، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

- رئیسی مبارکه، سهیلا (1376)، تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی ایران در گذار به جوامع صنعتی، گردهمایی زنان مشارکت - کشاورزی 1400، خلاصه گزارش گردهمایی مطالعاتی، جلد اول، مؤسسه تحقیق‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.

- سرتیپی پور، محسن (1377)، شیوه‌های آموزش مهارت فنی برای ساخت مسکن روستایی، نشریه مسکن و انقلاب، شماره 84.

- سرتیپی پور، محسن (1384)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه علمی تحقیقی هنرهای زیبا، شماره 22، پردیس هنرهای زیبا، تهران.

- سعیدی، عباس (سروراستار) (1387)، مسکن روستایی در دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات دانشنامه بزرگ فارسی / سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.

- سعیدی، عباس و فریبا امینی (1389)، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی مورد: روستای خفر (ناحیه نظنز - بادرود)، جغرافیا (فصلنامه علمی - تحقیقی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال هشتم، شماره 27، صص 29-43.

- سعیدی، عباس (1390)، پویای ساختاری - کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی، جغرافیا

مسکن شهری منجر به تغییر در اجزا و فضاهای مسکن روستایی شده و این تغییرات نیازهای فضایی برخی فعالیت‌ها و کارکردها را از بین برده است و در نتیجه محدودیت‌های فعالیتی برای زنان روستایی به وجود آمده است. در این راه شناخت قابلیت‌های فردی - اجتماعی و توانمندی‌های اقتصادی زنان روستایی در راستای سازمان‌دهی آن‌ها و بهره‌وری شایسته از آن‌ها همراه با زمینه‌سازی و بسترسازی ساختارها در الگوهای جدید مسکن روستایی می‌تواند کمک بسیار زیادی به احیای نقش زنان در توسعه روستایی بنماید.

پی‌نوشت

1. Susan Tiano
2. Integration approach
3. Marginalization approach
4. Exploitation approach

5. مقدار p و q برابر با 0/5 در نظر گرفته شد.

فهرست منابع

- ابوت پاملا و دیگران (1376)، درآمدی بر نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی، نشر دنیای مادر.

- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (1388)، بررسی نقش زنان روستایی در بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف در جوامع روستایی، نشریه راهبرد یاس، شماره 20، صص 70-96.

- ارجمند سیاهپوش، اسحق و معصومه حیدری زرگوش (1391)، تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر سبک زندگی روستایی و عشایری شهرستان گیلانغرب، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره 4، صص 89-103.

- ازکیا، مصطفی و سکینه رودبارکی حسینی (1389)، تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، رفاه اجتماعی، سال 10، شماره 37، صص 241-264.

- آدریانو، آلیاگونولو (1384)، معماری بومی، مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، چاپ دوم، تهران.

- آگهی، حسین و غلامرضا پزشکی راد (1378)، ارزشیابی کار زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه، نشریه اقتصاد

- Lynch, Kenneth (2005), Rural-Urban Interaction in the Developing World, Routledge, London.
- Vlassoff, C. (1994). From Rages to Riches: the Impact of Rural Development on Women's Status in an Indian Villages, World Development, 22(5), 707-719.

- <https://doi.org/10.22034/37.163.61>

- (فصلنامه علمی - تحقیقی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال نهم، شماره 29، صص 7-16.
- سعیدی، عباس؛ مصطفی طالشی؛ رابط، علیرضا. (1392)، نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی (مورد: روستاهای شهرستان ایجرود (استان زنجان)، فصلنامه جغرافیا، دوره 11، شماره 38، صص 5-31.
- عارف نیا، خجسته. (1374)، اقتصاد غیررسمی واقعیت ناشناخته‌ای در طرح مسائل زنان روستایی، نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی، شماره 6 (شماره ویژه)، صص 48-63.
- عمادزاده، مصطفی. (1382)، اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان، مجله تحقیق زنان، شماره 7، صص 115-140.
- قلی‌زاده، آذر. (1378)، بررسی علل نادیده گرفتن نقش زنان روستایی در فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه، نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره 27، صص 171-204.
- لباف دادورخانیکی، مجید. (1379)، ارتباط اقتصادی زنان روستایی با نظام تولید سنتی، مجموعه مقالات مرتبط با همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، دانشگاه الزهراء.
- محتشمی، بتول. (1378)، اشتغال زنان بایدها و نبایدها، مجله کتاب زنان، شماره 4، صص 78-91.
- نظریگی، حسن. (1373)، جزئیات اجرایی ساخت و تعمیر خانه‌های روستایی، ماهنامه مسکن و انقلاب، شماره 6.
- نعمتی، مریم. (1382)، نقش تعاونی‌های روستایی زنان در روند توسعه پایدار، نشریه کشاورزی و صنعت، شماره 44، اسفند و فروردین.

- Christy, R. G. and Thirunavukkarasu, M. (2002). Socio-Economic Dimension of Female Participation in Livestock Raring: A Case Study in Tamil Nadu, Indian Journal of Agricultural Economics, 57(1), 99-103.

- Gobayan, I. & Hakobian, L. (2005). "Rural women participation in decision making in America". Available at: <http://thepoint.gm/amrica>.
- Jerve, A. M. (2001), "Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis," in: Choices for the Poor, UNDP, Oslo (Norway), pp. 89-120.
- Lephoto, H. M. (1995). Educating Women for Improvement in Lesotho, Convergence(Toronto), (from Rural Development Abstracts, 1996, 19(2), Abstract No. 609). 28(3), 5-13.